



خلاصه طرح « بررسی کنش جمعی دانشجویان معترض و چرایی بروز این اعتراضات در حوادث مربوط به فوت مهسا امینی »

تدوینگر طرح: سرکار خانم ملیحه تابعی

هدف از پژوهش حاضر واکاوی کنش دانشجویان معترض نسبت به مسائل موجود و شناسایی چرایی و چگونگی بروز اعتراضات است. در این رابطه با تکیه بر رویکردهای روش شناختی کیفی تحقیق و گزینش روش تحلیل روایت مطالعه‌ای بر روی تعداد ۱۰ نفر از دانشجویان دارای تجربه اعتراض صورت گرفت. مبنای بررسی، تحلیل نگرش افراد و بروز آن در قالب کنش فردی و جمعی (اعتراض، خیزش، جنبش، اغتشاش) است. حاصل نتایج پژوهش دستیابی به نقطه نظرات دانشجویان در رابطه با علل، اهداف، شیوه‌ها و عملکرد دانشگاه و جامعه در خصوص اعتراضات بود. علل اعتراضات در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و دینی روایت شدند. علل اقتصادی اعتراض شامل مشکلات اقتصادی، موقعیت موجود و آینده پیش رو عنوان شده که به زعم آن اغلب گروه‌های اجتماعی را درگیر نموده است.

در خصوص علل سیاسی که به مانند علل اقتصادی نقش چشم گیری در تحریک معترضین داشته است دانشجویان به مواردی همچون احساس خشم در حادثه فوت مهسا امینی و عدم توجه به هشدارهای قبل از این واقعه و نیز عدم توجه به اعتراضات ادوار قبلی اشاره کردند. با این وجود گفتمان سیاسی اعتراض نه مرگ یک شخص بلکه حول محور عملکرد سیاسی نظام و انتقاد به آن در خصوص این واقعه و وقایع مشابه است. از طرفی دانشجویان معترض علل دینی را نیز در تحریک آنان به حرکت اعتراضی دخیل می‌دانند. در این رابطه بحث حجاب اجباری شاید تم اصلی گفتمان دینی- مذهبی در بین روایات دانشجویان بود. نگرش‌های دینی دانشجویان از هر منبعی که آموخته شده باشد در جریان تداخل با گپ اقتصادی و سیاسی دستخوش تغییراتی شده و نمود آن در تحرکات اعتراضی به ظاهر دینی (مسئله اجبار حجاب) مشاهده می‌شود. شاید بتوان گفت القای نادرست آموزه‌ها و باورهای دینی به کودکان، نوجوانان و جوانان و در برخی موارد استفاده از روش‌های ناکارآمد در تبلیغ و تربیت دینی، سبب ایجاد انحراف فکری در آنان شده و زمینه را برای نارضایتی آنان از برخی باروهای دینی فراهم آورده است. لازمه عبور از آن نیز این است متولیان و مربیان تربیتی و فرهنگی بیش از پیش بدان توجه نشان دهند و بکوشند به پرسش‌های دینی متریبان پاسخ منطقی دهند. همچنین اظهارات دانشجویان معترض در برخی موارد مانند «نسبت دادن بی عدالتی به همه ارکان نظام» و «اجبار به تحمیل عقاید» در تصور نادرست دانشجویان حکایت دارد. در این خصوص نیز لازم است متولیان امر مساله «جهاد تبیین» را که از فرمایشات و تاکیدات مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌باشد جدی بگیرند. این موضوع حائز اهمیت و نیازمند توجه است و اهمیت آن وقتی دوچندان می‌شود که از سوی جامعه نیاز به آموزش‌های دینی و نگرش‌های مبتنی بر آن احساس شود؛ گرچه روایات دانشجویان معترض امر دینی را در تقابل با امر سیاسی می‌بینند و نقش علل اقتصادی و سیاسی جامعه را پررنگ تر قرائت می‌کنند.

اعتراضات و جنبش‌های دانشجویی تک علیتی نبوده و نظریه پردازان این حوزه نیز به علل و دلایل مختلفی اشاره داشته‌اند که برخی از آنها از روایت‌های دانشجویان شرکت کننده در اعتراضات بیان شده است. عللی از قبیل آزادی خواهی، وجود خشم فروخورده و میل به کاهش آن از طریق اعتراض، شبکه‌سازی برخی افراد خاص، عدم همخوانی هنجارهای گذشته با شرایط جدید، ناکامی‌های فردی و اجتماعی، محرومیت نسبی، انگیزه‌های عقلانی هزینه/ فایده و یا مؤلفه‌های خارجی هر یک در نظر اندیشمندان این حوزه می‌توانند منجر به بروز و ظهور جنبش یا اعتراض دانشجویی شوند. با این حال اعتراض به هر علتی که رخ دهد دارای پیامدهای مثبت و منفی است. حساسگری عقلانی یا تحریک عاطفی برای هر دو طرف خواهان و خواسته برای کلیت جامعه مهم و قابل توجه است. همانطور که دانشجویان نیز اشاراتی به پیامدهای فردی و جمعی از قبیل تخلیه هیجان یا خشم، نمایش خود در اجتماعات عمومی، رساندن پیام نارضایتی به مسئولان، بیان حقوق اجتماعی و یا اعلام مخالفت با برخی اقدامات دولتی و حکومتی اشاره داشتند، ایضاً روایت کننده پیامدهای گسترده تر انقلاب/ اصلاح یا اعلام مخالفت با

اپوزیسیون خارجی نیز بودند. در نهایت آنچه موضوع مشخص این است که پیامدهای یک کنش جمعی برای دانشجویان، آنان را در جریان اعتراض با تحلیل‌های عقلانی همراه نموده و مسالمت آمیز بودن اعتراضات، تفکیک اعتراض از اغتشاش، توجه به ارزش‌های و عقاید جمعی و برگزاری آن ذیل دانشگاه نشان از نظر داشتن به دستاورد عمل اعتراضی و عواقب ناشی از آن دارد.

بدین ترتیب اعتراضات دانشجویی چه اثرگذار باشد چه نباشد، قاعدتاً واکنشهایی راه از سوی دانشگاه و جامعه به همراه دارد. در این رابطه برداشتهای دو پهلوئی از عملکرد دانشگاه نسبت به اعتراضات دانشجویی عنوان شده است. اینکه چرا برای بیان اعتراضات از بستر دانشگاه استفاده می‌شود یا انتظار از عملکرد مثبت دانشگاه در قبال دانشجویان معترض بیانگر رویکرد مثبت دانشجویان به دانشگاه است. در عین حال قرائتهای مخالف نیز روایتگر حمایت دانشگاه از دانشجویان قطب مخالف، سرکوب اعتراضات در دانشگاه و عدم استقلال دانشگاه و مداخلات نظامی بود. با کمی تسامح شاید بتوان گفت انتخاب دانشگاه به عنوان محل امن اعتراض گزینه‌ای بین بد و بدتر است. از طرفی عملکرد جامعه [حاکمیت] در برابر اعتراضات نیز برای دانشجویان مهم و مورد توجه است. آنان معتقدند جامعه به تغییر نسل و ارزشها و نگرشهای آنان بی‌توجه بوده و این بی‌توجهی در پدیده‌هایی مثل اعتراض نمود پیدا می‌کند. همچنین آنان رسانه‌های داخلی را ضعیف و وابسته به حاکمیت می‌دانند؛ کما اینکه می‌توانست و می‌بایست مستقل از ساختار عمل کرده و با بیطرفی کامل حقایق را عرضه کند. از اظهارنظرات دانشجویان در این خصوص می‌توان دریافت آنان از شبکه‌های ماهواره‌ای و ضد انقلاب خارج نشین تأثیر گرفته‌اند. از این رو لازم است رسانه‌های داخلی در عرصه جهاد تبیین، بیش از پیش فعال شوند و دروغ‌گویی‌ها و دروغ بافی‌های رسانه‌های خارجی را آشکارا برای مردم تبیین نمایند. معترضان معتقدند در رابطه با مسئله دین و حجاب نیز از سوی مسئولین به عنوان امری سیاسی استفاده شده است و آن را دستمایه اقدامات سیاسی خود کرده‌اند. برخی از دانشجویان معترض نیز بدون توجه به اصل عقلی و شرعی «جدایی ناپذیری ساحت دین از سیاست» بر این باور بودند که از دین و حجاب استفاده سیاسی می‌شود و «حجاب یا دین قربانی سیاست فعلی شده است». برخی از معترضان نیز طیف مذهبی را به ظاهر بینی متهم می‌کردند. همچنین بسیاری از دانشجویان نسبت به برخی از احکام ضروری دین مانند حجاب و ... نگاه سطحی داشتند و تفسیرهای نادرستی ارائه می‌دادند.

همانطور که پیشتر اشاره شد یکی از ریشه‌های دوری از باورهای دینی نداشتن تصویر و تصور درست از باورهای دینی و در یک معنا وجود شبهات اعتقادی در برخی جوانان است که باید در رفع آنها همت گماشت و با شیوه‌های نو و خردپسند برای پاسخ بدانها تلاش نمود. دیکتاتور دانستن حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه که در برخی از اظهارات آمده است یکی از مصادیق بارز همین سطحی‌نگری و نداشتن تصور درست از ولایت فقیه است. در کنار این موارد عملکرد حاکمیت در قطبی‌سازی جامعه، عدم تحمل مخالف و احساس از بین رفتن مشروعیت نظام در پذیرش نظر مردم، تم‌های دیگری هستند که در روایت‌های دانشجویان قرائت شده است.

با این حال اعتراضات دانشجویی بنا به هر علت منحصر به فرد یا علل متنوع که رخ داده باشد، لازمه توجه و تمرکز مدیریتی بر آن است؛ چرا که بی‌توجهی به آن و عدم رفع ریشه‌های بروز آن، ممکن از در آینده با جلوه‌ها و نمودهایی دیگر عیان گردد. همانطور که در خصوص برخی علل دینی و سیاسی زمینه‌ساز اعتراضات راهکارهایی ارائه شد برای برخی مسائل در عرصه سیاسی و مهم‌تر از آن در عرصه اقتصادی نهفته در جریان اعتراضات، باید اقدامات جدی و اساسی برداشته شود. بی‌شک دانشجویان از سرمایه‌های ارزشمند یک جامعه هستند که اگر ابهامات، خواسته‌ها و نیازهای آنان و جامعه - که درهم تنیده‌اند - توجه شود، دانشگاه و جامعه به نحوه مقتضی می‌تواند از این سرمایه‌ها استفاده نماید.